ولخرجی های یک وزیر دست سوم در لندن!؟

۷ فروردین ۱۳۹۴ ساعت ۱۵:۱۲

هوشنگ انصاری فرزند عبدالرسول متولد ۱۳۰۶ در اهواز بود، نام خانوادگی او در و واقع «مستمند شیرازی» بوده است.

پدر انصاری در بانک ملی سمت تحویلداری داشت و پسر خود را به مدرسه آمریکاییها در اصفهان فرستاد. هوشنگ انصاری بعد از گرفتن دیپلم راهی آمریکا شد و بعد از ثبت نام در یک از دانشگاهها به شغل عکاسی و خبرنگاری پرداخت برای مطبوعات محلی خبر و عکس تهیه میکرد و از این راه زندگی خود را ادراه میکرد. در آمریکا رشته اقتصاد را به پایان رساند و بعد از آمدن به ایران در کنار یکی از بازرگانان معروف به نام نمازی مشغول به کار شد. در سال ۱۳۳۴ به نمایندگی تجارتخانه نمازی که دفتری در ژاپن داشت به توکیو رفت و در آنجا زبان ژاپنی را به خوبی یاد گرفت و در ضمن برای کسانی که به ژاپن میرفتند، راهنمای خیلی خوبی بود. او ضمن کار در دفتر نمایندگی نمازی با سفارت ایران هم ارتباط داشت و موجب نزدیکی سفیر وقت آنجا عباس آرام قرار گرفت و راهنمای کسانی شد که برای ماموریت یا کار به ژاپن میرفتند، این نزدیکی باعث شد که آرام او را به شاه معرفی کند.

از سویی دیگر فساد مالی، اختلاس و ارتشاء با رژیم شاهنشاهی پهلوی همزاد است و با آن پیوندی ناگسستنی دارد، ولی در دوران سیزده ساله نخست وزیری هویدا، این وضع به شکل نمایان تری درآمد. حسین فردوست همین مسأله را باعث طولانی شدن دوران صدارت وی دانسته و میگوید: «در عرض هفت سال (۱۳۵۷- ۱۳۵۰) تنها در قسمت بازرسی دفتر ویژه اطلاعات ۱۳۷۵۰ پرونده سوءاستفاده کلان تشکیل شد که همگی با دستور شفاهی نخست وزیری بایگانی می گردید.»

واگذاری مناصب در رژیم پهلوی علاوه بر آن-که نیازمند وابستگی های فردی و خانوادگی به سرویس های اطلاعاتی آمریکا و انگلیس بود، رعایت پرداخت حق السهم رئیس دزدان و غارتگران را نیز لازم داشت. در رابطه با وابستگی سردمداران رژیم شاه، حسین فردوست چنین نقل میکند:

«انگلیسی ها مأمور جدید نیز، با معرفی افراد مورد اعتماد جلب می کنند و به فهرست «اشرافیت اطلاعاتی» خود اضافه می کنند. مثلاً عباس آرام از وابستگان انگلیس مدت ها وزیرخارجه بود. موقعی که او سفیر ایران در ژاپن شد، هوشنگ انصاری کارمند محلی سفارت ایران بود. آرام تشخیص داد که انصاری فرد مناسبی است و او را به انگلیسی ها معرفی کرد. بدین ترتیب، انصاری ناگهان وزیر اطلاعات، سفیر ایران در آمریکا، وزیر دارایی و مدیرعامل شرکت نفت شد و جزء نامزدهای نخست وزیری بود که انقلاب رخ داد.»

هوشنگ انصاری، ازجمله افرادی است که در این نقش به خوبی ظاهر شد و اربابان را به خوبی از خود راضی کرد. وی بهایی زاده ای بود که پدرش به علت دارا بودن مذهب بهائیت، از محل سکونت خود فراری گردید و در شهرهای دیگر به تبلیغ بهائیت پرداخت و به علت خدماتی که به بهائیت نمود، بهاییان حضیرۀ القدسی به نام وی در قزوین دایر کردند.

هوشنگ انصاری که مشهور است در شهر اصفهان به خدمت خارجیان درآمده پس از اخذ دیپلم، به انگلستان رفت و لیسانس اقتصاد گرفت و برای ادامه تحصیل به ژاپن رفت.

سوء استفاده های مالی وی به دوران حضور وی در ژاپن (۱۳۳۷- ۱۳۳۳) برمی گردد. وی در سال ۱۳۳۳ نماینده اداره کل انتشارات و تبلیغات ایران و پس از آن، نماینده بازرگانی ایران در ژاپن، بود و با عباس آرام که سفیر ایران در ژاپن بود نیز همکاری می کرد.

هوشنگ انصاری پس از مراجعت به ایران به عنوان خبرنگار مخصوص «اینترنشنال نیوز سرویس» و «اینترنشنال فتو» مشغول کار شد که به واسطه این سمت با جرج آلن- سفیر آمریکا در ایران- تماس برقرار کرد و اخبار، اطلاعات و تحقیقات مورد نیاز او را، ضمن تماس با مقام های دولتی تهیه و در اختیار می گذاشت. گفته اند که وی در یکی از این مأموریت ها، از طرف جرج آلن، به یکی از دولت مردان مراجعه و می خواهد با او مصاحبه کند، وقتی سؤالات مطرح میگردد، آن فرد به او میگوید: خوب است همان کسی که این سؤالات را به تو داده مستقیماً به خودم مراجعه کند. این جمله سبب می شود که روز بعد جرج آلن شخصاً با آن فرد ملاقات و موضوع موردنظر را مطرح نماید.

هوشنگ انصاری که شهرت به ارتباط با «سیا» نیز داشت، در مناصب مختلفی قرار گرفت که از آن جملهاند: مستشار اقتصادی ایران در خاور دور، معاون فنی وزارت بازرگانی، رئیس هیأت نظارت بر انبارهای عمومی، نایب رئیس صندوق ضمانت صنعتی ایران و آمریکا، عضو شورای عالی هواپیمایی کشوری، عضو هیأت جلب سرمایه های خارجی، سفیر شاه در پاکستان، وزیر اطلاعات و وزیر اقتصاد و دارایی.

اسناد زیر گزارشی است از فردی به نام شیرزاد که در رابطه با چگونگی سوءاستفاده هوشنگ انصاری در سفری که به بهانه ی معالجه به لندن داشته، نگاشته شده است. بدیهی است که این گزارش که در آن به سوءاستفاده ی انصاری اشاره گردیده، قطره ای است از دریا. چراکه آگاهی از چگونگی واسطه گری او برای عباس آرام در ژاپن تا نحوه ی ازدواج وی با مریم پناهی- منشی مخصوص آرام در زمان تصدی وزارت خارجه- و سوءاستفاده های کلان در وزاتخانه های اطلاعات و دارایی و شرکت ملی نفت، هر یک خود ماجرایی مستقل دارد. اما متن این اسنادِ نمونه چنین است:

مستخرج از نامه آقای شیرزاد

آقای انصاری همان طور که اطلاع داری به عنوان معالجه به لندن آمد و در این جا من چیزهایی از او دیدم که نه تنها از او بدم آمد بلکه دلم به حال شاه مهربان مملکتمان و بالاخره خود ما سوخت. روزی که ایشان وارد شد من به فرودگاه به استقبالش رفتم و در من فکر در ورود لحظه در انصاری آقای از که منفی نقطه اولین حال هر به .آوردمش شهر به خود اتومبیل با و کردم واردش V.I.P نقش بست این بود که با ایشان پس از ورود، راجع به هتلی که اقامت خواهند کرد صحبت شد. از طرف سفارت بنا به توصیه آقای زاهدی یک اتاق در کارلتون هتل رزرو شده بود. شما خوب می دانید که کارلتون هتل از هتل های درجه یک لندن است ولی ایشان در جواب گفتند من به کارلتون نمی روم، خودم در هیلتون هتل یک آپارتمان رزرو کرده ام که البته پس از ورود فهمیدم کرایه این آپارتمان هر روز ۳۸ لیره است یعنی حدود ۹۰۰ تومان و حالا حساب کنید در همین یک ماه اخیر فقط کرایه به ۲۷۰۰۰۰ ریال سر می زند، حساب مخارج دیگر هم اگر بکنید به هفتاد یا هشتاد هزار تومان سر می زند.

من پیش خودم فکر کردم از دو صورت خارج نیست، اگر این مخارج از بودجه سری وزارت اطلاعات پرداخت شود باید یک چنین آدمی را به جرم خیانت محاکمه و مجازات کرد و اگر نه بگوییم از جیب پر فتوت شخصی خودش خرج می شود (که یقیناً نخواهد شد) تازه باید پرسید از کجا آورده است که در یک سفر کوتاه چنین خرج میکند. تازه خود این عمل از نظر یک فرد عادی ایرانی یک خیانت است و از نظر یک وزیر ایرانی دو خیانت.

ایراد اول اینکه این پول بالاخره هرچه باشد از مملکت است و این طور سیلآسا بیرون ریختن آن انصاف نیست. دوم اینکه خرج کردن یک وزیر دست سوم به این سبک برای خارجی ها و حتی ایرانی هایی که به جزئیات توجه دقیق دارند این سوءتفاهم را ایجاد خواهد کرد که بگویند وزراء از یک طرف پول مملکت را بی حساب خرج می کنند و از طرف دیگر برای طرح های اقتصادی و عمرانی پول بیش تر مطالبه میکنند.

روز دوم به اتفاق نزد دکتر معالج که قبلاً وقت گرفته شده بود رفتیم. قبلاً بگویم من آن روز هم اتومبیل رعیت منشأنه خودم را برای بردن ایشان به دکتر به هتل بردم وقتی آمدیم سوار شویم گفت دستور دادهام از طرف هتل اتومبیل حاضر کنند. به محض اینکه اتومبیل آمد با عصبانیت به دربان هتل گفت من اتومبیل هیلمن سوار نمی شوم. نگهبان با تعجب پرسید چه اتومبیلی می خواهید؟ گفت: «رولزویز» و اگر نبود «جک وار» به دنبال حرفش گفت یک وزیر سوار ماشین هیلمن نمی شود.

دکتر پس از معاینات مفصل گفت این بابا هیچ ناراحتی و کسالت ندارد و حتی به شوخی گفت شاید برای هواخوری تمارض کرده اید؟ گفت اگر لازم باشد من گواهی می کنم که هیچ علتی که موجب درد در ناحیه گردن باشد وجود ندارد.

یک روز دیگر به هتل رفتم تا اگر به کمکی احتیاج دارد برایش انجام دهم، ۲۵ برگ یادداشت به دستم داد و گفت این ها را به وزارت اطلاعات مخابره کنید و بگویید برای اشخاصی که مربوط است بفرستند. (منظور این بود که به حساب وزارت اطلاعات مخابره شود.) تلگراف ها به عنوان چند نفر بود که به فرودگاه برای مشایعت ایشان آمده بودند و برای چند نفر دیگر که فکر می کرد مؤثر هستند فقط تملق عرض کرده بود.

روز دیگر به مناسبت تحویل نامه ها و تلگراف هایی که برای ایشان به آدرس من آمده بود به آپارتمانش رفتم. آثار پذیرایی شبانه در اتاق پذیرایی و حتی اتاق خواب ایشان هنوز باقی بود احساس خستگی می کرد. گفتم ظواهر امر نشان می دهد که دیشب خوب نخوابیده اید؟ گفت بله چند نفر از بچه های دوره تحصیلی ام را که دو دختر و یک پسر بودند دیدم و یکی از این دخترها به اسم ژانت معرفی شد تا ۱۰ روزی که من با او تماس داشتم اغلب نزد او بود.

روز دیگر تصمیم گرفت خودش را به طبیب دیگر نشان دهد در تهران نام دکتر WATSON JONES را شنیده بود به دیدن او رفتیم او نیز پس از معاینات مفصل و عکسبرداری و تجزیه و غیره گفت: عیبی ظاهراً نمی بیند و اگر از ناحیه گردن احساس درد میکند ممکن است به علت عدم تناسب وزن سر به بدن فشار می آید. یک کمربند تجویز کرد که دور گردنش بپیچید، که البته این کمربند یا گردن بند را ایشان در ملاقات هایی که مثلا با آتابای، سمیعی، خوش کیش، امامی (پدر زن هویدا) و آرام داشتند می بستند ولی من ندیدم که در دیدارهای ژانت مورد استعمال قرار دهند و یا به مهمانی «بالماسکه» که در همان هتل هیلتون ترتیب داده شده بود شرکت کردند ببندد.

منابع:

۱-فردوست، حسین، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج۱، تهران: اطلاعات، ۱۳۸۸.

۲-سلطانی مقدم، سعیده، هوشنگ انصاری: پژوهشکده باقرالعلوم.

*اتفاقات تاریخی به روایت اسناد ساواک، تهران: وزارت اطلاعات، ۱۳۸۶.

منبع:قدس

آدرس مطلب :
https://www.cafetarikh.com/news/۲۹۹۲۴/لندن-سوم-دست-وزیر-یک-های-ولخرجی